



## **The Role of Women and Mothers in Promoting Resistance and the Strategy for Moving Toward a New Islamic Civilization in the Contemporary World**

Kobra Khodaverdi Bahramabadi

Level 4 Graduate, Masoumieh Higher Education Institute for Women, Qom .  
Email: khodaverdi93@chmail.ir

### **Abstract**

In the contemporary world, cultural, social, and media transformations have led to a redefinition of the traditional and modern roles of women in society. In this context, the woman—particularly in her role as a mother—is not merely an agent for the continuity of family life, but a civilization-building actor in the path toward shaping a resistant society based on Islamic values. This article employs a descriptive approach to examine the role of women and mothers in promoting the culture of resistance, as well as their position in the strategy for moving toward a new Islamic civilization. The findings of this research indicate that through raising a resistant generation, transmitting religious values, preserving cultural identity, and participating in social spheres, women play a fundamental role in realizing civilizational goals. Furthermore, the family as the primary social institution, and the mother as the pivot of upbringing, serve as the most critical foundation for institutionalizing the culture of resistance. Simultaneously, educational systems, media, and cultural policies can either strengthen or undermine this role. Consequently, strategic attention to the capacities of women, the reform of cultural attitudes, and structural support for their participation are essential requirements for the realization of a new Islamic civilization in the modern world

**Keywords:** Women, Resistance, New Islamic Civilization, Cultural Identity



## دور المرأة والأم في تعزيز المقاومة واستراتيجية التحرك نحو الحضارة الإسلامية الحديثة في العالم المعاصر

كبرى خداوردي بهرام آبادي

خريجة المستوى الرابع، مؤسسة المعصومية العالية للتعليم للنساء، قم.

البريد الإلكتروني: khodaverdi83@chmail.ir

### الملخص

في العالم المعاصر، أدت التحولات الثقافية والاجتماعية والإعلامية إلى إعادة تعريف الأدوار التقليدية والحديثة للمرأة في المجتمعات. وفي هذا السياق، لا تعد المرأة، لا سيما في موقعها كأم، عاملاً لاستمرار الحياة الأسرية فحسب، بل هي فاعل حضاري في مسار تشكيل مجتمع مقاوم قائم على القيم الإسلامية. يتناول هذا المقال، بمنهج وصفي، دور النساء والأمهات في ترويج ثقافة المقاومة، ومكانتهن في استراتيجية التحرك نحو الحضارة الإسلامية الحديثة. تشير نتائج هذا البحث إلى أن المرأة، من خلال تربية جيل مقاوم، ونقل القيم الدينية، والحفاظ على الهوية الثقافية، والمشاركة في الميادين الاجتماعية، تؤدي دوراً جوهرياً في تحقيق الأهداف الحضارية. كما أن الأسرة باعتبارها المؤسسة الاجتماعية الأولى، والأم باعتبارها محور التربية، تشكل الأرضية الأهم لترسيخ ثقافة المقاومة. وإلى جانب ذلك، يمكن للنظام التعليمي ووسائل الإعلام والسياسات الثقافية أن تعزز هذا الدور أو تضعفه. وبناءً على ذلك، فإن الاهتمام الاستراتيجي بقدرات المرأة، وإصلاح الرؤى الثقافية، وتقديم الدعم الهيكلي لدورها، يعد من متطلبات تحقيق الحضارة الإسلامية الحديثة في العالم اليوم. الكلمات المفتاحية: النساء، المقاومة، الحضارة الإسلامية الحديثة، الهوية الثقافية.

## نقش زنان و مادران در ترویج مقاومت و راهبرد حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی در دنیای امروز

کبری خداوردی بهرام آبادی

دانش آموخته سطح ۴؛ موسسه آموزش عالی معصومیه خواران قم

khodaverdi93@chmail.ir

### چکیده

در جهان معاصر، تحولات فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای موجب بازتعریف نقش‌های سنتی و نوین زنان در جوامع شده است. در این میان، زن به‌ویژه در جایگاه مادر، نه تنها عامل تداوم حیات خانوادگی، بلکه کنشگری تمدن‌ساز در مسیر شکل‌گیری جامعه‌ای مقاوم و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی به شمار می‌رود. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی به بررسی نقش زنان و مادران در ترویج فرهنگ مقاومت و نیز جایگاه آنان در راهبرد حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان از طریق تربیت نسل مقاوم، انتقال ارزش‌های دینی، حفظ هویت فرهنگی و مشارکت در عرصه‌های اجتماعی، نقش بنیادینی در تحقق اهداف تمدنی ایفا می‌کنند. همچنین، خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی و مادر به عنوان محور تربیت، مهم‌ترین بستر برای نهادینه‌سازی فرهنگ مقاومت است. در کنار آن، نظام آموزشی، رسانه‌ها و سیاست‌گذاری فرهنگی می‌توانند این نقش را تقویت یا تضعیف کنند. براین اساس، توجه راهبردی به ظرفیت‌های زنان، اصلاح نگرش‌های فرهنگی و حمایت ساختاری از نقش‌آفرینی آنان، از الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی در دنیای امروز است.

واژگان کلیدی: زنان، مقاومت، تمدن نوین اسلامی، هویت فرهنگی

## مقدمه

در ادبیات اجتماعی و فرهنگی معاصر، نقش زنان محدود به حوزه‌های صرفاً خانگی یا عاطفی نیست، بلکه آنان به عنوان کنشگرانی مؤثر در تحولات اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی شناخته می‌شوند. در جوامع اسلامی نیز این نقش از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ زیرا زن، به‌ویژه در مقام مادر، هم در تداوم نسل و هم در تربیت انسان مؤمن، مسئول و مقاوم نقشی بی‌بدیل دارد. از این منظر، زن صرفاً تابع ساختارهای اجتماعی نیست، بلکه خود می‌تواند یکی از مهم‌ترین ارکان شکل‌دهی به ساخت تمدنی آینده باشد.

در اندیشه اسلامی، خانواده زیربنای جامعه و مادر ستون اصلی این نهاد شمرده می‌شود. اگر قرار باشد جامعه‌ای مقاوم، مستقل و برخوردار از هویت دینی شکل گیرد، نخست باید در درون خانواده و از مسیر تربیت صحیح فرزندان این مسیر آغاز شود. تمدن نوین اسلامی نیز به عنوان افقی راهبردی برای جوامع مسلمان، نیازمند انسان‌هایی است که از نظر فکری، اخلاقی و فرهنگی توان ایستادگی در برابر سلطه‌پذیری، استحاله فرهنگی و بحران هویت را داشته باشند. اینجاست که نقش زنان و مادران به عنوان عوامل انتقال‌دهنده ارزش‌ها و تربیت‌کنندگان نسل آینده، برجسته می‌شود.

مسئله اصلی این مقاله آن است که چگونه زنان و مادران می‌توانند در ترویج فرهنگ مقاومت و در مسیر حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرینی کنند.

### زن، مادر و مقاومت در چارچوب تمدن اسلامی

در نگرش اسلامی، زن از منزلتی والا برخوردار است و هویت او نه در تقابل با مرد، بلکه در تکامل نقش انسانی و اجتماعی معنا می‌یابد. مادر در این منظومه، فقط نقش زیستی ندارد، بلکه نقش تربیتی و هویتی او از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در حقیقت، مادر نخستین آموزگار کودک است و بسیاری از باورها، عواطف، الگوهای رفتاری و نگرش‌های اولیه انسان در دامن او شکل می‌گیرد. مفهوم مقاومت نیز در اینجا صرفاً به معنای ایستادگی نظامی یا سیاسی نیست، بلکه شامل مقاومت فرهنگی، اخلاقی، هویتی و تربیتی نیز می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۴۵) جامعه‌ای مقاوم است که در برابر سلطه فکری، تهاجم فرهنگی، از خود بیگانگی و تضعیف ارزش‌های دینی از خود پایداری نشان دهد (مطهری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). در این ساختار پایداری، نقش مادران به واسطه تربیت نسلی آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر، به عنوان خط مقدم حفاظت از هویت جمعی و استمرار ارزش‌های جامعه بازتعریف می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۰).

از سوی دیگر، تمدن نوین اسلامی پروژه‌ای صرفاً شعاری یا آرمانی نیست، بلکه مستلزم بازسازی عمیق در حوزه‌های معرفتی، اجتماعی و فرهنگی است. این تمدن بر پایه انسان‌سازی، عدالت‌خواهی، معنویت، خانواده‌محوری و هویت دینی استوار است. بنابراین، هر نیروی اجتماعی که بتواند در فرآیند انسان‌سازی مؤثر باشد، نقشی تمدنی خواهد داشت. زنان و مادران از مهم‌ترین این نیروها

هستند، زیرا آنان در نقطه آغاز شکل‌گیری شخصیت انسانی قرار دارند.

### زنان و مادران؛ الگوی مقاومت اجتماعی

در متون اسلامی و همچنین در بررسی‌های تاریخی و اجتماعی، زنان به عنوان یکی از عناصر مهم حفظ ارزش‌ها و پایداری فرهنگی شناخته می‌شوند. قرآن کریم با تأکید بر مشارکت زنان و مردان در مسئولیت‌های اجتماعی و دینی، آنان را در تحقق ارزش‌های الهی سهیم می‌داند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه / ۷۱). براین اساس زن در جامعه اسلامی صرفاً دارای نقش فردی یا خانوادگی نیست، بلکه در عرصه‌های اجتماعی نیز مسئولیت و تأثیرگذاری دارد.

در تاریخ اسلام نیز نمونه‌های متعددی از این حضور فعال دیده می‌شود. برای نمونه، نقش حضرت زینب علیها السلام در تداوم پیام نهضت عاشورا، نمونه‌ای روشن از مشارکت زنان در مقاومت فرهنگی و اجتماعی است. سید بن طاووس در گزارش وقایع پس از عاشورا به خطبه‌های روشنگرانه ایشان در کوفه و شام اشاره می‌کند که نقش مهمی در افشای ماهیت حکومت اموی داشت (ابن طاووس، ۱۳۸۰، صص ۱۸۶-۱۹۰).

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نقش‌آفرینی زنان در مقاومت اجتماعی، حوزه تربیت است. مادران با پرورش فرزندان آگاه، مسئول و متعهد، زمینه تداوم ارزش‌های دینی و فرهنگی را فراهم می‌کنند. این نوع مقاومت را می‌توان مقاومت



زیربنایی نامید؛ زیرا پیش از ظهور در عرصه‌های اجتماعی، در محیط خانواده شکل می‌گیرد. شهید مرتضی مطهری با تأکید بر نقش تربیتی زن در خانواده، بیان می‌کند که بخش مهمی از شکل‌گیری شخصیت اجتماعی انسان در محیط خانواده و تحت تأثیر مادر تحقق می‌یابد (مطهری، ۱۳۸۹، صص ۱۰۹-۱۱۵).

افزون بر این، زنان می‌توانند در عرصه‌های عمومی نیز به عنوان الگوهای فرهنگی و اجتماعی ایفای نقش کنند. حضور آگاهانه آنان در حوزه‌هایی مانند آموزش، رسانه، فعالیت‌های اجتماعی و امور خیریه می‌تواند تصویری فعال و تمدن‌ساز از زن مسلمان ارائه دهد. در همین زمینه، برخی پژوهشگران معاصر تأکید کرده‌اند که مشارکت اجتماعی زنان در جوامع اسلامی، هنگامی که با هویت دینی همراه باشد، می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، صص ۷۳-۸۰).

در مطالعات جدید نیز به این موضوع اشاره شده است که «حضور اجتماعی زنان در جوامع اسلامی همواره ترکیبی از نقش‌های خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی بوده است و نمی‌توان آن را به یکی از این ابعاد محدود کرد» (احمد، ۱۹۹۲، صص ۷۸-۸۲).

در مجموع، زن مسلمان در اندیشه اسلامی نه تنها نقش مهمی در تربیت نسل آینده دارد، بلکه می‌تواند در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به عنوان عاملی مؤثر در حفظ هویت دینی و تقویت مقاومت اجتماعی عمل کند.

### نقش تربیتی مادران در شکل‌گیری جامعه مقاوم

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است و مادر در آن، مهم‌ترین عامل تربیت و عاطفه محسوب می‌شود. اگر جامعه‌ای بخواهد نسلی مقاوم، اخلاق‌مدار و تمدن‌ساز داشته باشد، باید از مادران آغاز کند. تربیت، فرایندی عمیق و تدریجی است که نه تنها از طریق آموزش مستقیم، بلکه از طریق رفتار، منش و سبک زندگی مادر به کودک منتقل می‌شود.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که «سرمایه اجتماعی درون خانواده که عمدتاً توسط مادران مدیریت می‌شود، زیربنای اصلی اعتماد و مشارکت فرزندان در جامعه است» (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۲). مادران با انتقال ارزش‌های اخلاقی و تقویت سبک‌های صحیح اجتماعی شدن، فرزندان را تربیت می‌کنند که در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی، از پایداری و قدرت تحلیل بالاتری برخوردارند. افزون بر این، «سلامت اجتماعی یک جامعه محصول مستقیم سلامت روانی و تاب‌آوری خانواده‌هاست؛ به گونه‌ای که میان تاب‌آوری خانواده و شاخص‌های سلامت اجتماعی رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد» (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۲). در واقع، مادران با ایجاد شبکه‌های حمایتی عاطفی در درون خانه، فشارهای روانی ناشی از بحران‌های بیرونی را تعدیل کرده و با نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیوندهای میان‌نسلی را برای مقابله با چالش‌های کلان ملی مستحکم می‌سازند. بنابراین، شکل‌گیری جامعه مقاوم نه یک فرآیند صرفاً ساختاری، بلکه برآمده از کارکردهای تربیتی و مدیریتی مادران در سطح

خرد است که در نهایت به تاب‌آوری در سطح کلان منجر می‌شود.

### بسترهای اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر نقش زنان

نقش زنان و مادران در ترویج مقاومت، تنها به اراده فردی آنان وابسته نیست، بلکه به بسترهای اجتماعی و فرهنگی نیز بستگی دارد. نظام آموزشی، رسانه‌ها، سیاست‌های فرهنگی و فضای عمومی جامعه، همگی می‌توانند در تقویت یا تضعیف این نقش مؤثر باشند. اگر زن تنها در قالب مصرف‌کننده یا نیرویی حاشیه‌ای تصویر شود، ظرفیت تمدنی او نادیده گرفته خواهد شد. اما اگر به عنوان عنصر فعال، تربیت‌گرو اثرگذار معرفی شود، نقش‌آفرینی او در جامعه افزایش می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین بسترهای تأثیرگذار، فرایند جامعه‌پذیری است. آنتونی گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی خود اشاره می‌کند، «جامعه‌پذیری جنسیتی فرایندی است که طی آن کودکان یاد می‌گیرند که چگونه به عنوان دختر یا پسر رفتار کنند و این یادگیری اغلب از طریق الگوهای رفتاری خانواده و تشویق یا تنبیه رفتارهای زنانه یا مردانه تثبیت می‌شود» (گیدنز، ۱۳۹۸، ص ۳۴۲). این جامعه‌پذیری باعث می‌شود نقش‌های مراقبتی و خانه‌داری به عنوان وظایف ذاتی زن تعریف شوند، نه انتخاب‌های فردی.

رسانه‌ها در این میان نقشی دوگانه دارند. از یک سو می‌توانند الگوهای مثبت از زن مسلمان، مادر آگاه و خانواده‌ساز را برجسته کنند و از سوی دیگر، با ترویج

سبک زندگی فردگرایانه و مصرف‌محور، نقش‌های اصیل زنان را کم‌رنگ سازند. بنابراین، بازنمایی صحیح جایگاه زن در رسانه‌ها، یکی از ضروریات راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی است.

نظام آموزشی نیز باید با بازتعریف نقش زن، دانش‌آموزان و دانشجویان را با جایگاه تربیتی و اجتماعی مادران آشنا سازد. آموزش‌های رسمی اگر با ارزش‌های فرهنگی و دینی هماهنگ نباشند، ممکن است به تضعیف هویت خانوادگی منجر شوند. در مقابل، آموزش مبتنی بر خانواده‌محوری و هویت دینی، می‌تواند زنان را برای ایفای نقش‌های تمدنی آماده کند.

البته بستر رسانه در جهان معاصر تنها وسیله‌ای برای انتقال پیام نیست، بلکه به محیطی آموزشی تبدیل شده است که در کنار مدرسه، خانواده و کتاب درسی، نقش مهمی در شکل‌دهی به ذهن و رفتار یادگیرندگان دارد. نیل پستمن در کتاب تکنوپولی توضیح می‌دهد که «فناوری و رسانه‌ها می‌توانند ساختار آموزش را دگرگون کنند و مدرسه را وادار سازند تا برای جلب توجه مخاطب، بیش از پیش به منطق سرگرمی نزدیک شود که منجر به تضعیف عمق یادگیری می‌شود» (پستمن، ۱۳۸۵، صص ۱۶۸ تا ۱۷۰).

از سوی دیگر، دیوید باکینگهام در کتاب آموزش رسانه‌ای تأکید می‌کند که «نظام آموزشی نباید رسانه را صرفاً تهدیدی برای دانش‌آموزان بداند، بلکه باید آن را به موضوعی برای تحلیل، نقد و یادگیری تبدیل کند. به نظر او، آموزش معاصر زمانی مؤثر است که دانش‌آموزان بتوانند پیام‌های رسانه‌ای را تحلیل کنند و

سازوکارهای تولید معنا، قدرت و بازنمایی را بشناسند» (باکینگهام، ۲۰۰۳م، ص ۳۲).

همچنین هنری ژيرو با طرح مفهوم آموزش عمومی نشان می‌دهد که رسانه‌ها نوعی مدرسه غیررسمی هستند؛ مدرسه‌ای که ارزش‌ها، سبک زندگی و نگرش‌های اجتماعی را آموزش می‌دهد. بنابراین نظام آموزشی رسمی باید دانش‌آموز را برای مواجهه انتقادی با این آموزش غیررسمی آماده کند، نه اینکه تنها به انتقال محفوظات در کلاس درس بسنده کند. (ژيرو، ۲۰۰۱م، صص ۲۴ تا ۲۷)

رابطه بستر رسانه و نظام آموزشی رابطه‌ای متقابل و تعیین‌کننده است. رسانه‌ها شیوه یادگیری را تغییر می‌دهند و نظام آموزشی نیز ناچار است با آموزش سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و توانایی تحلیل پیام‌ها، دانش‌آموزان را برای زیستن در جامعه رسانه‌ای آماده سازد.

#### راهبردهای تقویت نقش زنان در حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی

راهبردهای تقویت نقش زنان در حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی را می‌توان در چند محور اساسی صورت‌بندی کرد. نخست، ارتقای جایگاه خانواده در سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی است. در بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناسی، خانواده به عنوان نخستین نهاد جامعه‌پذیری شناخته می‌شود و نقش بنیادینی در انتقال ارزش‌ها و شکل‌گیری هویت افراد دارد. آنتونی گیدنز

خانواده را مهم‌ترین بستر شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و انتقال فرهنگ می‌داند (گیدنز، ۱۳۹۸، صص ۳۲۵-۳۳۰). از این رو، سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی باید خانواده را محور برنامه‌های تربیتی و فرهنگی قرار دهند و با حمایت‌های حقوقی، اقتصادی و آموزشی از آن، زمینه ایفای نقش مؤثر زنان و مادران را در تربیت نسل فراهم سازند.

دومین راهبرد، توانمندسازی علمی و فرهنگی زنان است. آگاهی، دانش و بینش دینی زنان می‌تواند نقش تربیتی آنان را در خانواده و جامعه تقویت کند. شهید مرتضی مطهری در بحث جایگاه زن در اسلام تأکید می‌کند که رشد فکری و فرهنگی زن نه تنها با نقش مادری تعارض ندارد، بلکه آن را عمیق‌تر و اثرگذارتر می‌کند (مطهری، ۱۳۸۶، صص ۱۶۵-۱۷۰). از این منظر، آموزش مهارت‌های تربیت فرزند، سبک زندگی اسلامی، مهارت‌های ارتباطی و مدیریت خانواده می‌تواند زنان را برای ایفای نقش‌های تربیتی و اجتماعی آماده‌تر سازد.

راهبرد سوم، اصلاح بازنمایی زن در رسانه‌ها و نظام آموزشی است. رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به الگوهای هویتی دارند و نحوه بازنمایی زنان می‌تواند نگرش جامعه نسبت به آنان را تغییر دهد. دیوید باکینگهام بر این نکته تأکید می‌کند که رسانه‌ها در تولید معنا و شکل‌دهی به هویت‌های اجتماعی نقش مؤثری دارند و نظام آموزشی باید مخاطبان را نسبت به این فرایند آگاه سازد (باکینگهام، ۲۰۰۳، صص ۵۳-۶۰). بنابراین، بازنمایی زن مسلمان به عنوان فردی آگاه، فعال و مسئول در خانواده و جامعه، می‌تواند به تقویت هویت زنان و ارائه

الگوهای مثبت برای نسل جوان کمک کند.

چهارمین راهبرد، ایجاد تعادل میان حضور اجتماعی زنان و هویت دینی و خانوادگی آنان است. در اندیشه اسلامی، مشارکت اجتماعی زنان در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی پذیرفته شده است، اما این حضور باید با حفظ کرامت انسانی، ارزش‌های اخلاقی و استحکام خانواده همراه باشد. آیت الله جوادی آملی در تحلیل جایگاه زن در اندیشه اسلامی بیان می‌کند که زن می‌تواند در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضور داشته باشد، در حالی که نقش مادری و خانواده نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های او حفظ می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۷، صص ۲۹۰-۲۹۵).

براین اساس، تقویت نقش زنان در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مستلزم مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات هماهنگ در حوزه خانواده، آموزش، رسانه و فرهنگ است؛ اقداماتی که هم به ارتقای آگاهی و توانمندی زنان می‌انجامد و هم بسترهای اجتماعی لازم برای نقش‌آفرینی تمدنی آنان را فراهم می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

زنان و مادران، از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده فرهنگ مقاومت و تمدن نوین اسلامی هستند. تحقق تمدن نوین اسلامی بدون توجه به نقش زنان ممکن نیست. این تمدن بر پایه انسان‌های تربیت‌یافته، با هویت و مقاوم بنا می‌شود و





زنان، به‌ویژه مادران، نخستین معماران این انسان‌ها هستند. از این رو، سیاست‌گذاران، نهادهای فرهنگی و آموزشی و نیز خود خانواده‌ها باید با نگاهی راهبردی به ظرفیت‌های زنان بنگرند و زمینه‌های لازم برای نقش‌آفرینی آنان را فراهم سازند.

زن در منطق تمدن اسلامی، نه در حاشیه، بلکه در متن حرکت تاریخی جامعه قرار دارد. اگر جامعه اسلامی بخواهد در برابر چالش‌های دنیای امروز پایداری کند و به سوی تمدنی نوین و اصیل حرکت نماید، باید از سرمایه عظیم زنان و مادران بهره‌گیرد؛ سرمایه‌ای که در صورت توجه درست، می‌تواند آینده‌ای مقاوم، اخلاقی و تمدنی را رقم بزند.



## منابع و مآخذ

### \*قرآن

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۸۰)، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه سید احمد فهری، تهران: انتشارات جهان.
۲. احمد، لیلا، (۱۹۹۲)، زنان و جنسیت در اسلام، ریشه‌های تاریخی یک بحث مدرن، نیوهیون، انتشارات دانشگاه ییل، صص ۷۸-۸۲.
۳. باکینگهام، دیوید، (۲۰۰۳)، آموزش رسانه‌ای: سواد، یادگیری و فرهنگ معاصر، کمبریج: Polity Press.
۴. پستم، نیل (۱۳۸۵)، تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). زن در آئینه جلال و جمال. تهران: مرکز نشر اسراء.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۸. ژيرو، هنری (۲۰۰۱)، نظریه و مقاومت در آموزش، لندن، وست پورت.
۹. قربانی، علیرضا؛ خسروی، مصطفی؛ محمدی، معصومه. (۱۴۰۳)، بررسی نقش میانجی متغیر تاب‌آوری خانواده در رابطه سلامت اجتماعی با نگرش به

طلاق زوجین، فصلنامه مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی خانواده، دوره ۲۰، شماره ۱.

۱۰. کاظمی، عباس؛ و همکاران. (۱۳۹۴)، نقش سرمایه اجتماعی درون خانواده بر سبک‌های اجتماعی شدن فرزندان، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۹، شماره ۱.

۱۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشرنی.

۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.

۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا.